

به نام پروردگاریکتا

**شناخت‌گرایی:**

**رویکردی به بین‌رشته‌ای شدن علوم انسانی**

از مجموعه پروژه‌های

«طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

**دکتر آزیتا افراشی**

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**همکار: دکتر کامیار جولایی**

کارشناس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

---

شناخت گرای: رویکردی به بین‌رشته‌ای شدن علوم انسانی

مؤلف: آرزیتا افراشی

همکار: کامیار جولایی

ناظر طرح: رضا نیلی‌پور

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

طراح جلد: فرزاد جلیلیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر ارده‌ال

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

## فهرست

۷	سخن پژوهشگاه
	فصل اول: سیمای پژوهش
۱۳	۱.۱ مقدمه
۱۴	۲.۱ مسئله پژوهش
۱۶	۳.۱ پرسش های تحقیق
۱۷	۴.۱ چارچوب نظری تحقیق
۲۱	۵.۱ فرضیه های تحقیق
۲۱	۶.۱ تعریف مفاهیم تحقیق
۲۲	۷.۱ اهمیت و ضرورت تحقیق در چارچوب طرح اعتلا
۲۳	۸.۱ اهداف تحقیق
۲۳	۹.۱ تعیین یافته ها و نتایج تحقیق، متناسب با نیازهای جامعه
۲۴	۱۰.۱ نتایج تحقیق، پاسخگوی کدام یک از نیازهای جامعه است؟
	فصل دوم: علوم انسانی و میان رشته ها
۲۵	۱.۲ ماهیت علوم انسانی
۳۱	۲.۲ روش شناسی پژوهش در علوم انسانی
۳۴	۳.۲ ظهور میان رشته ها
۳۵	۱.۳.۲ چندرشته ای
۳۶	۲.۳.۲ بین رشته ای

#### ۴ شناخت‌گرایی

- ۳۶ ۳.۳.۲ فرارشته‌ای
- ۳۸ ۴.۳.۲ میان رشته‌ای
- ۴۳ ۴.۲ پیشینه تحقیق در داخل و خارج از کشور
- ۴۴ ۵.۲ تاریخچه پیدایش علوم میان رشته‌ای
- ۵۱ ۶.۲ میان رشته‌ها در زبان شناسی
- ۵۳ ۷.۲ علم شناخت
- ۵۵ ۱.۷.۲ شناخت چیست؟
- ۵۹ ۲.۷.۲ تاریخچه پیدایش علم شناخت
- ۶۵ ۳.۷.۲ روش مندی در علم شناخت
- ۴.۷.۲ ارتباط علوم تشکیل دهنده علم شناخت (ماهیت میان رشته‌ای علم شناخت)
- ۷۱
- ۷۸ ۵.۷.۲ زبان شناسی شناختی
- ۸۲ ۸.۲ علوم شناختی در ایران
- ۸۶ ۱.۸.۲ پژوهشکده علوم شناختی
- ۸۸ ۲.۸.۲ گروه‌های آموزشی علوم شناختی در پژوهشکده علوم شناختی
- ۹۴ ۹.۲ زبان شناسی شناختی در ایران

#### فصل سوم: چارچوب نظری: نظریه آمیختگی مفهومی، الگویی برای تشکیل

##### میان رشته‌ها

- ۹۷ ۱.۳ مقدمه
- ۹۸ ۲.۳ نظریه‌های غالب در معناشناسی شناختی
- ۹۸ ۱.۲.۳ استعاره مفهومی
- ۱۰۱ ۲.۲.۳ مجاز مفهومی
- ۱۰۴ ۳.۲.۳ معناشناسی قاب
- ۱۰۶ ۴.۲.۳ آمیختگی مفهومی
- ۱۳۲ ۳.۳ خلاصه

### فصل چهارم: تحلیل همکاری میان علوم برمبنای شناخت‌گرایی

۱۳۳	۱.۴ مقدمه
۱۳۷	۲.۴ همکاری‌های چندرشته‌ای
۱۴۰	۳.۴ همکاری‌های بین‌رشته‌ای
۱۴۱	۱.۳.۴ مطالعات بین‌رشته‌ای از نوع ارتباط روشی
۱۴۴	۲.۳.۴ مطالعات بین‌رشته‌ای از نوع ارتباط داده‌ای
۱۴۵	۴.۴ همکاری‌های میان‌رشته‌ای
۱۴۶	۱.۴.۴ شکل‌گیری یک مطالعه میان‌رشته‌ای
	۲.۴.۴ تبیین شکل‌گیری علم میان‌رشته‌ای شناخت با استفاده از نظریه
۱۵۴	آمیختگی مفهومی
۱۶۶	۵. جمع‌بندی

### فصل پنجم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی

۱۶۸	۱.۵ مقدمه
۱۶۹	۲.۵ پاسخ به پرسش‌های تحقیق
۱۷۹	۳.۵ جمع‌بندی نهایی
۱۸۳	منابع
۱۸۳	منابع فارسی
۱۸۷	منابع انگلیسی
۱۹۹	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی



## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که برمبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی سازی علوم انسانی شکل گرفته و برپایه خرد جمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایه این منطق شکل گرفت که برای بومی سازی و کاربردی سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران

نظرافکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاریست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در

چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاریست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه

بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی، علمی-تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهاد‌های علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن



پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانۀ علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به شمار می‌آید.

بدیهی است با همه مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشترین آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغه استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر

«اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به ویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سید محمد رحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سید سجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سید محسن علوی‌پور، جناب آقای محمد علی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

### حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



## فصل اول

### سیمای پژوهش

#### ۱.۱ مقدمه

پژوهشگران حوزه‌های تخصصی، به دلایل بسیاری ممکن است از پژوهش میان رشته‌ای اجتناب ورزند؛ از جمله اینکه کسب تخصص در یک رشته تخصصی به اندازه کافی دشوار است و فراتر رفتن از مرزهای یک رشته چالش‌های بسیاری به همراه می‌آورد. همچنین فرصت مطالعه و یادگیری مبانی و روش‌شناسی سایر رشته‌ها معمولاً برای یک متخصص به سختی فراهم می‌شود. علاوه بر این هنوز نظام استخدام و پاداش در دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به شدت در راستای دیدگاه رشته‌ای<sup>۱</sup> است، به طوری که ممکن است فعالیت یا مشارکت در سایر رشته‌ها چندان ارزشمند به نظر نرسد. حتی ممکن است برخی اندیشمندان، پژوهش میان رشته‌ای را ارجی نهند. علی‌رغم چنین موانعی بر سر راه پژوهش میان رشته‌ای، دلایل قدرتمندی وجود دارد که نشان می‌دهد پژوهشی که مرزهای رشته‌ها را درهم می‌شکند، می‌تواند دستاوردهای علمی حائز اهمیت داشته باشد. چنین دستاوردی به روشنی در علم میان رشته‌ای شناخت ظاهر شده است. این علم در صدد است سازوکارهای شناخت را به واسطه تلفیق دیدگاه‌های رشته‌هایی چون

---

1 disciplinary

روان‌شناسی، فلسفه، زبان‌شناسی، عصب‌شناختی، مردم‌شناسی و هوش مصنوعی معرفی نماید. در پژوهش حاضر، ضمن مروری تاریخی بر شکل‌گیری علم شناخت و رشته‌های مرتبط با آن، مؤلفه‌های روش‌شناختی رویکرد شناخت‌گرا را استخراج می‌نماییم و کارآیی آن را به‌عنوان یک رویکرد میان‌رشته‌ای به علم با توجه به وضعیت علوم انسانی در ایران ارزیابی می‌کنیم.

## ۲.۱ مسئله پژوهش

حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای در نتیجه ترکیب دو یا بیش از دو حوزه علمی در پژوهش شکل می‌گیرند. حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای از طریق درهم‌شکستن مرزهای رشته‌های موجود و ایجاد نگرش علمی فراتر از آن مرزها به وجود می‌آید. این فرآیند می‌تواند در نتیجه نیازهای پژوهشی جدید و یافتن پاسخ برای مسائل علمی‌ای که درون یک حوزه علمی پاسخی نیافته‌اند، روی دهد. حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای هنگامی به وجود می‌آیند که مرزهای سنتی تعریف شده برای حوزه‌های علمی موجود، امکان حل برخی مسائل علمی را فراهم نمی‌آورند. مطالعات میان‌رشته‌ای برای پرداختن به پژوهش‌هایی که ماهیتی پیچیده و چندبُعدی دارند و نیازمند تلفیق اطلاعات و روش‌های پژوهشی حوزه‌های مختلفی هستند ضروری‌اند.

مجامع دانشگاهی غرب از اواسط قرن بیستم به سمت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای گرایش پیدا کردند. مهم‌ترین دستاورد این جریان، شکل‌گیری علم ماهیتاً میان‌رشته‌ای شناخت است. به‌عنوان دیگر حوزه‌های مطالعاتی که از دستاوردهای رشته‌های مختلف بهره می‌برند، می‌توان به مطالعات ترجمه، مطالعات زنان و مطالعات فرهنگی اشاره کرد. بسیاری از متخصصان روش‌شناسی علم معتقدند در قرن بیست و یکم علم صرفاً می‌تواند ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته باشد؛ زیرا نتایج به دست آمده از تحقیق در هر حوزه

علمی باید بتواند به وسیله دستاوردهای سایر حوزه‌ها پشتیبانی شود و این فرآیند ماهیتاً میان رشته‌ای است.

اگر بخواهیم به طور اجمالی پژوهش‌های میان رشته‌ای را تعریف نماییم، می‌توانیم بگوییم میان رشته‌ای شدن علوم، جریانی است که از حدود دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد باز نمودهای آن در حوزه‌های مطالعاتی مختلفی نمایان شده است. در نتیجه این جریان، حوزه‌های مطالعاتی میان رشته‌ای جدیدی تعریف شده و شکل گرفته‌اند. میان رشته‌ای شدن بر مبنای این اندیشه بنیادین استوار است که نتایج پژوهش‌ها باید فراتر از مرزهای هر حوزه مطالعه پشتیبانی گردد و کاربرد داشته باشد. در این مفهوم، علوم در شبکه‌ای واقع می‌شوند که از طریق میان رشته‌ای شدن به هم مرتبط می‌گردند. این شبکه علم، محققان و پژوهش‌های آنها را در حوزه‌های مختلفی به هم مرتبط می‌کند و جریانی است در مقابل انزوای علمی و در مواجهه با آن. این جریان، علوم را از انجماد خارج ساخته و پیوسته پرسش‌های متعددی را ایجاد می‌نماید که لازمه بقاء علوم است. میان رشته‌ای شدن با کاربردی شدن علوم پیوند نزدیکی دارد؛ زیرا کاربرد دستاوردهای یک حوزه علمی به مقاصد مختلف معمولاً مستلزم تلفیق حوزه‌های متفاوت است.

در جریان میان رشته‌ای شدن، ممکن است مسائل و پرسش‌هایی که در یک حوزه علمی مطرح هستند، در حوزه یا حوزه‌های علمی دیگری پاسخ بیابند. همچنین ممکن است اساساً حوزه‌های علمی متفاوت، مسائل و پرسش‌های همانندی داشته باشند که موجب شود یک حوزه علمی فراگیر بر اساس آنها شکل بگیرد؛ این همان اتفاقی است که در مورد شکل‌گیری علم شناخت به وقوع پیوسته است. گاهی این امکان وجود دارد که یک حوزه علمی ارائه دهنده روش باشد و حوزه دیگر فراهم آورنده داده‌ها که در نتیجه تعامل روش و پیکره‌های داده‌ها، تعاملی بین این حوزه‌ها برقرار گردد. گاهی اوقات

تعامل میان رشته‌ای بین کلیت دو حوزه علمی ایجاد نمی‌شود، بلکه تعاملی بین بخشی از یک حوزه علمی و بخشی از حوزه علمی دیگر به وجود می‌آید. البته جریان میان رشته‌ای شدن علوم، از چالش‌های بسیاری گذر کرده است. برای نمونه، در ابتدا متخصصان، میان رشته‌ای شدن را نقطه‌مقابل تخصصی بودن در نظر می‌گرفتند. میان رشته‌ای شدن به مثابه راهکاری برای ایجاد انسجام و پیوستگی بین علوم قلمداد می‌گردد. نباید تصور کرد که میان رشته‌ای شدن صرفاً به منزله همنشینی دستاوردهای علوم مختلف در کنار یکدیگر است. علم میان رشته‌ای رویکرد، روش‌ها و تحلیل‌های مخصوص به خود را طلب می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، نگاهی به وضعیت آموزشی و پژوهشی علوم انسانی در ایران اقتضا می‌کند تا به زمینه‌های تقویت روش مند و نظریه بنیاد میان رشته‌ای شدن علوم انسانی در ایران بیاوریم. با توجه به اینکه شناخت‌گرایی یکی از متأخرترین رویکردهای علمی میان رشته‌ای محسوب می‌شود که به ویژه در علوم انسانی، مثلاً در گستره پژوهش‌های زبان‌شناختی، دستاوردهای انکارناپذیری داشته است، در این پژوهش به معرفی و تحلیل رویکرد شناخت‌گرا می‌پردازیم تا آن را به عنوان یک پارادایم علمی مورد توجه جوامع علمی و دانشگاهی مورد ارزیابی قرار دهیم و کارایی آن را برای علوم انسانی در ایران بسنجیم.

### ۳.۱ پرسش‌های تحقیق

۱. رویکرد شناخت‌گرا بر چه مؤلفه‌های روش‌شناختی‌ای استوار است؟
۲. رویکرد شناخت‌گرا چه گستره‌ای از داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؟
۳. چه عواملی وجود رشته‌های دخیل در رویکرد شناخت‌گرا را تبیین می‌کند؟



۴. علم شناخت برای میان رشته‌ای شدن علوم انسانی در ایران چه دستاورد(ها)ی فراهم می‌آورد؟

### ۴.۱ چارچوب نظری تحقیق

شناخت‌گرایی<sup>۱</sup> رویکردی ماهیتاً بین‌رشته‌ای است و به‌طور کلی هدف آن مطالعه سازوکارهای شناخت است. علم شناخت به‌عنوان مطالعه علمی و میان‌رشته‌ای ذهن توصیف می‌گردد و با پرسش‌هایی از این دست که انسان چگونه جهان را درک می‌کند؟ ذهن انسان چگونه به فرایند حل مسئله مبادرت می‌ورزد؟ انسان چگونه مهارت‌های جدید را فرا می‌گیرد؟ و انسان‌ها چگونه رفتارهای ارتباطی همدیگر را درمی‌یابند؟ سروکار دارد. در پاسخ به این نوع پرسش‌ها، پژوهشگران این فرض بنیادی را پیشنهاد داده‌اند که ذهن انسان همانند ابزاری رایانشی عمل می‌کند و با بازمودها سروکار دارد. همان‌طور که اشاره شد علم شناخت، ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و مرور نام شخصیت‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری و شکوفایی سنت شناخت‌گرا از رشته‌ها و حوزه‌های مطالعه مختلف، ماهیت بین‌رشته‌ای این علم را می‌نمایاند. متخصصان علوم رایانه نظیر ماروین مینسکی<sup>۲</sup>، روان‌شناسانی مانند جورج میلر<sup>۳</sup>، زبان‌شناسانی مانند جورج لیکاف<sup>۴</sup> و فلاسفه‌ای مانند هیلاری پوتنام<sup>۵</sup>، جری فودور<sup>۶</sup> و دانیل دینت<sup>۷</sup> از جمله بنیان‌گذاران علم شناخت به‌شمار می‌آیند. حال

- 
1. cognitivism
  2. M.Minsky
  3. George Miller
  4. George Lakoff
  5. H.Putnam
  6. J.Fodor
  7. D.Dennett

باید دید این بین‌رشته نوظهور، یعنی علم شناخت و رویکرد شناختی، از چه ویژگی‌های بنیادینی برخوردار است؟

سرچشمه‌های علم شناخت به زمان‌های دوری در تاریخ تفکر باز می‌گردد. لیکن، پیدایش آن به عنوان یک همکاری میان‌رشته‌ای بین علوم روان‌شناسی، رایانه، علوم اعصاب و زبان‌شناسی در دهه ۱۹۵۰ میلادی روی داده است. نخستین نهادهای علمی شناخت، یعنی انجمن و مجله علوم شناختی، در اواخر دهه ۱۹۷۰ تأسیس شد. مرور این تاریخچه نه تنها مستلزم تحولات تک‌تک این علوم است، بلکه تحولات آن‌ها در مشارکت با هم، جهت شکل‌دهی به علم شناخت را، در قالب آنچه در نیمه آخر قرن بیستم و پس از آن می‌شناسیم، نیز فرامی‌گیرد. جرج میلر که از اعضای فعال در شکل‌دهی به این علم نوظهور محسوب می‌شود. تاریخ دقیق شکل‌گیری علم شناخت را ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۶ در سمپوزیوم نظریه اطلاعات در دانشگاه ام. آی. تی می‌داند. دو دانشمند علم رایانه به نام‌های الن نیوول<sup>۱</sup> و هربرت سیمون<sup>۲</sup>، همچنین نوام چامسکی و جرج میلر در حوزه‌های پژوهش خود آثاری را ارائه دادند که از جهت‌گیری آن‌ها به سوی چشم‌اندازی شناختی خبرمی‌داد (بچل<sup>۳</sup> و دیگران ۱۹۷۵: ۱).

کریستوفر لانگت<sup>۴</sup> هیگینز<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۳ برای نخستین بار اصطلاح «علم شناخت» را به کار برد (داروین<sup>۶</sup> ۲۰۰۴). این اصطلاح در سال ۱۹۷۵ در مناظره بین چامسکی و پیازه<sup>۷</sup> در مرکز فرهنگی ابی‌دورژومون<sup>۸</sup> مطرح شد و حوزه

- 
1. A. Newell
  2. H. Simon
  3. W. Bechtel
  4. C.L. Higgins
  5. cognitive science
  6. C.J. Darwin
  7. J. Piaget
  8. Abbaye de Royaumont

پژوهشی‌ای را فراگرفت که در آن زمان به تازگی شکل گرفته بود و بدین ترتیب پژوهشگرانی از حوزه‌های مختلفی هم چون هوش مصنوعی، علوم رایانه، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، عصب‌شناسی و مردم‌شناسی را مجذوب خود ساخت. آنچه این پژوهشگران را از حوزه‌های مختلف گردهم آورد، این بود که همه آن‌ها به بن‌مایه‌های رفتار بشر توجه داشتند و نیز دریافت این نکته بود که پژوهشگران این حوزه‌ها، پدیده واحدی را از منظرهای مختلفی بررسی می‌کنند (اُبرلندر<sup>۱</sup> ۲۰۰۶: ۵۶۲). داویس<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نیز هم‌سوبا پچل و دیگران (۲۰۰۱) معتقد است هرچند در مورد مبانی نظری این علم جدید ابهام وجود دارد، اما در مورد سال پیدایش آن اتفاق نظر برقرار است. وی نیز سال ۱۹۵۶ را زمان شکل‌گیری علم شناخت معرفی می‌کند. جنبه نوآورانه این تلاش جدید، دستیابی به چشم‌انداز تازه‌ای در حل مسائل فلسفی قدیمی بود. از جمله می‌توان به مطرح کردن پرسش درباره ماهیت ذهن و اینکه ذهن چگونه عمل می‌کند اشاره کرد. شایان ذکر است که پاسخ به این پرسش در روند شکل‌گیری علم شناخت به صورت بین‌رشته‌ای مدنظر قرار گرفت. ساختار میان‌رشته‌ای رویکرد شناخت‌گرا در قالب یک شش ضلعی نشان داده شده است (شکل ۱) که نسخه اصلی آن طی گزارشی در سال ۱۹۷۸ در بنیاد اسلوان<sup>۳</sup> ارائه شد (گاردنر، ۱۹۸۵: ۳۷). سیزده خط در این شش ضلعی نشانگر گستره‌ای از پیوندهای ممکن میان شش رشته اصلی علم شناخت است، اما این پیوندها در چندین مورد گمراه‌کننده هستند.

خطوط متصل بیانگر اتصالات بین‌رشته‌ای قوی و خطوط نقطه‌چین نشانگر اتصالات ضعیف است. امروزه پیوند میان فلسفه و عصب‌شناسی و

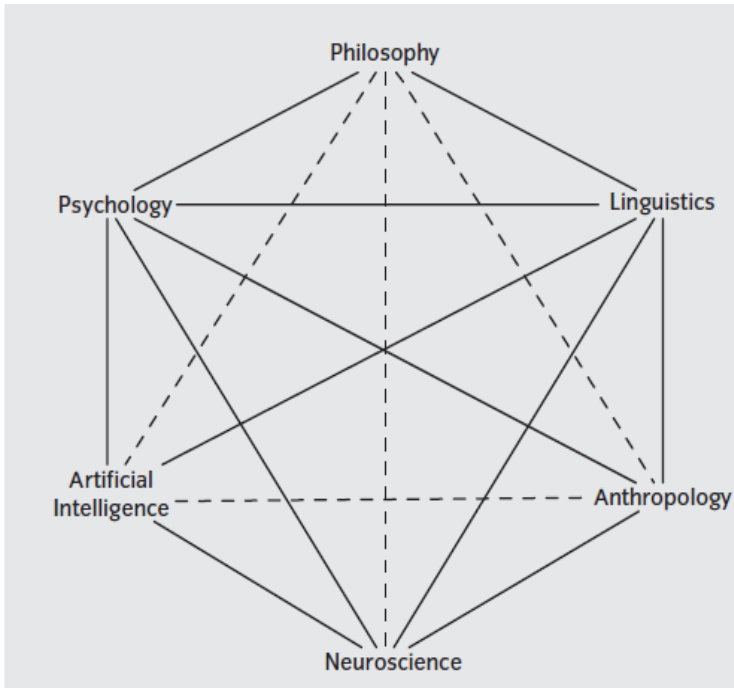
---

1. J. Oberlander

2. W. D'Avis

3. Sloan Foundation

هوش مصنوعی بسیار قوی‌تر شده است. باید توجه داشت که رشته‌های مزبور از لحاظ میزان مشارکت در پژوهش میان رشته‌ای برابر نیستند.



نمودار ۱۰۱ پیوندهای میان علم شناخت (به نقل از گاردنر، ۱۹۸۵: ۳۷).

بنابراینچه در بالا توضیح داده شد چهارچوب نظری پژوهش حاضر مبانی علم شناخت و رویکرد شناخت‌گرا مبتنی بر اثر میلر (۲۰۰۳) است که رویکرد شناخت‌گرا را به عنوان تحولی با ویژگی‌های یک انقلاب در علوم انسانی معرفی می‌کند. البته در این پژوهش، ابتدا مفاهیمی مانند رویکرد میان رشته‌ای و رویکرد شناخت‌گرا به علم معرفی می‌شود.